

Discrimination self-harming individuals from normal people based on positive and negative experiences, neuroticism and motivational values characters

H. Hashemi Razini^{1*}, M. Dehghan² & A. Rasooli²

1*. Assistant Professor, Department of Psychology, Kharazmi University, Tehran, Iran

2. Ph.D. Student of Helth Psychology, Kharazmi University, Tehran, Iran

Abstract

Aim: Present study purpose was to study role of positive and negative affective experiences, neuroticism and motivational values characters in discrimination self-harming individuals from normal people. **Methods:** Research method was descriptive and, comparative causal type and the statistical population of this study was the students of dormitories at different universities of Tehran in 2016, where 218 of them (Between 30 to 50 participants from each of Tehran, Allame Tabatabai, Kharazmi, Shahed, Shahid Beheshti, and Tarbiat Modares universities) were selected by convenience sampling method. Finally, based on the Self-Harm Inventory of Sansone, Wiederman & Sansone (1998), 40 patients in the self-anxiety group and 40 patients in the normal group, they were screened and selected. The research tools consisted of the Positive and Negative Experiences Questionnaire, Diener, Writz, Tov, Kim-Prieto, Choi, Oishi & Biswas-Diener 2010, Schwartz Value Survey (1992), and NEO Personality Inventory 5 factors Costa & McCrae 1986 completed the test discriminant analysis was used to analyze the data. **Results:** The findings showed that the mean neuroticism ($F= 44.94, P= 0.001$) and negative affect ($F= 8.04, P= 0.006$) of the self-harming group were significantly higher than the normal people, and the mean positive affect ($F= 15.84, P= 0.001$), universality ($F= 8.96, P= 0.004$), benevolence ($F= 15.14, P= 0.001$), tradition ($F= 13.68, P= 0.001$), conformity ($F= 16.39, P= 0.001$) and safety ($F= 7.54, P= 7.54$) were significantly lower than the normal group. The present discriminate function was able to explain 49.8% of the self-harming/ non-self-harming variance and could correctly grouped 91.3% of the participants. **Conclusion:** The neuroticism, conformity, positive affect, benevolence, tradition, universality and negative affect variables can be used as a criterion to predict group membership of individuals in the normal group and the self-harm group and as a discrimination criterion for these two groups. Therefore, providing training to improve these variables can help moderate self-harming behaviors.

Key words: *motivational values, neuroticism, positive and negative experiences, self-harm*

Citation: Hashemi Razini, H., Dehghan, M., & Rasooli, A. (2019). Discrimination self-harming individuals from normal people based on positive and negative experiences, neuroticism and motivational values characters. *Quarterly of Applied Psychology*, 12(4): 553-571.

Received: 18 December 2018
Accepted: 31 July 2018

Corresponding author:
Hadhashemi@khu.ac.ir

تمیز افراد خود آسیب رسان از افراد عادی بر اساس تجربه‌های مثبت و منفی، نوروزگرایی و ریخت‌های ارزشی انگیزشی

هادی هاشمی رزینی^{۱*}، مجتبی دهقان^۲ و علی رسولی^۳

*۱. استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

۲. دانشجوی دکتری روان‌شناسی سلامت، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

چکیده

هدف: پژوهش تعیین نقش تجربه‌های عاطفی مثبت و منفی، نوروزگرایی و ریخت‌هایی ارزشی انگیزشی در تمیز افراد خود آسیب رسان از افراد عادی بود. **روش:** روش پژوهش توصیفی، از نوع علی-مقایسه‌ای و جامعه آماری دانشجویان خوابگاه‌های دانشگاه‌های شهر تهران به تعداد تقریبی ۳۵ هزار نفر در سال ۱۳۹۵ بود که بین ۳۰ الی ۵۰ شرکت کننده از هر یک از دانشگاه‌های تهران، علامه طباطبایی، خوارزمی، شاهد، شهید بهشتی و تربیت مدرس و در مجموع ۲۱۸ نفر با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و در نهایت از بین این تعداد و بر اساس پرسشنامه آسیب به خود سانسون، ویدرمن و سانسون (۱۹۹۸)، ۴۰ نفر در گروه خود آسیب رسان و ۴۰ نفر در گروه عادی غربال انتخاب شدند و ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه تجربه‌های مثبت و منفی دینر، رایترز، تاو، کیم-پرتو، چوئی، اوبشی و بیسواز-دینر ۲۰۱۰، مقیاس زمینه یاب ارزشی شوارتز (۱۹۹۲) و مقیاس ۵ عاملی شخصیت نئو مک کری و کاستا ۱۹۸۶ را تکمیل کردند. برای تحلیل داده‌ها از آزمون تحلیل تشخیص استفاده شد. **یافته‌ها:** یافته‌ها نشان داد که میانگین نوروزگرایی ($F=44/94, P=0/001$) و عاطفه منفی ($F=8/04, P=0/006$) گروه خود آسیب رسان بالاتر از افراد عادی و میانگین عاطفه مثبت ($F=15/84, P=0/001$)، جهان شمولی ($F=8/96$)، خیرخواهی ($F=15/14, P=0/001$)، سُنّت ($F=13/68, P=0/001$)، همنوایی ($F=16/39$)، $P=0/001$ و ایمنی ($F=7/54, P=0/007$) آن‌ها پایین‌تر از گروه افراد عادی است. تابع تشخیصی حاضر قادر به تبیین ۴۹/۸ درصد از واریانس رفتار خود آسیبی/عدم خود آسیبی بود و ۹۱/۳ درصد شرکت کنندگان را به درستی گروه‌بندی کرد. **نتیجه‌گیری:** از متغیرهای نوروزگرایی، همنوایی، عواطف مثبت، خیرخواهی، سُنّت، جهان شمولی و عواطف منفی می‌توان به‌عنوان معیاری برای پیش‌بینی عضویت گروهی افراد در گروه سالم و گروه خود آسیب رسان و معیار تمیز این دو گروه از یکدیگر استفاده کرد. بنابراین، ارائه آموزش برای بهبود متغیرهای یاد شده به تعدیل رفتارهای خود آسیب رسان کمک می‌کند.

کلیدواژه‌ها: ارزشی انگیزشی، تجربه‌های مثبت و منفی، خود آسیبی، نوروزگرایی

استناد به این مقاله: هاشمی رزینی، هادی، دهقان، مجتبی، و رسولی، علی. (۱۳۹۷). تمیز افراد خود آسیب رسان از افراد عادی بر اساس تجربه‌های مثبت و منفی، نوروزگرایی و ریخت‌های ارزشی انگیزشی. فصلنامه روان‌شناسی کاربردی، ۱۲(۴) پیاپی ۴۸: ۵۷۱-۵۵۳.

مقدمه

خود آسیبی^۱ به طیفی از رفتارهای خود آسیب زنده عمدی، با یا بدون خودکشی اشاره دارد و به طور معمول شامل رفتارهایی از قبیل بریدن بدن خود، خراشیدن، ضربه زدن و یا سوزاندن پوست است (لانگ و شارما-پاتل، ۲۰۱۱) و در یک نمونه از نوجوانان بستری شده در یک بیمارستان روان پزشکی ۷۵/۹ درصد شایع بوده است (پی، شاون، فاوزیانا، ماهش، سامباسیوم و همکاران، ۲۰۱۷). افراد دارای رفتار خود آسیب رسان بدون قصد خودکشی نسبت به گروه بدون رفتار مخرب، به طور مشخصی سطح آندورفین و متآنکفالین پایین تر و میزان افسردگی، ناامیدی و آسیب روانی بالاتری دارند (استانلی، ویلسون، اکمان، هانگ، یونگ و جان، ۲۰۱۰). خود آسیبی ممکن است به عنوان راهبرد جبرانی برای تنظیم تجارب هیجانی پریشان کننده عمل کند (پی و همکاران، ۲۰۱۷) و ممکن است یکی از راهبردهای ناکارآمد به کار گرفته شده برای تنظیم عواطف منفی در میان افراد دارای اختلال خوردن نیز باشد (مائلنکاپ، پیت، کلایز و اسمیت، ۲۰۱۲)؛ زیرا بدتنظیمی هیجانی^۲ و نشانگان افسردگی^۳ با فراوانی بالای خود آسیبی رابطه داشته است و پژوهش‌ها نشان داده‌اند که رابطه بین شدت مواجهه با بدرفتاری و فراوانی خود آسیبی (پی و همکاران، ۲۰۱۷) و رابطه بین مشکلات بین فردی (مشکلات همسالان و مشکلات خانوادگی) و خود آسیبی نوجوانان (آدریان، زمن، اردلی، لیزا و سیم، ۲۰۱۱؛ سیم، آدریان، زمن، کاسانو و فریدریج، ۲۰۰۹) توسط بدتنظیمی هیجانی میانجیگری می‌شود.

وقایع منفی زندگی نقاط ماشه چکانی هستند که می‌توانند مشکلات عاطفی و رفتاری مانند افسردگی (ماندلی، نیارکو، وایوپائولس، استفانیز، ویتوراتو و همکاران، ۲۰۱۵)، رفتارهای تحریک کننده (لاولو، ۲۰۱۳) و خشونت آمیز (جلای، فیلیپارت، گاشو، بیرهان، فیتزپارتیک و ویلیامز، ۲۰۰۸) را پیش‌بینی کنند. افرادی با سطوح بالای عاطفه منفی میزان بیشتری از آشفتگی و ناراحتی را تجربه می‌کنند و با احتمال بیشتری دیدی منفی‌تری نسبت به خود و دیگران دارند (ساران، پوری و آگاروال،^۴ ۲۰۱۲؛ نقل از حشمتی، ۱۳۹۳). اما، افرادی با عواطف مثبت، افرادی پرانرژی و با روحیه هستند که از زندگی لذت می‌برند (گل‌پرور و کرمی، ۱۳۸۹). همچنین وقایع منفی زندگی به همراه صفت نوروگرایی با صفت خشونت ارتباط مثبتی دارد (سان، زوئی، بانی، زانگ، لین و کائو، ۲۰۱۶). طبق مطالعه کاستا و مک‌کری^۵ ۱۹۹۸، نوروگرایی بیانگر گرایش فرد برای تجربه اضطراب، تنش، ترحم جویی، خصومت، تکانشوری، افسردگی و عزت نفس پایین است (نقل از آزاد

-
1. self-harm
 2. emotion dysregulation
 3. depressive symptoms
 4. Saran, Puri & Agarwa
 5. Costa & McCrae

عبدالله پور، شکر، تقی لو، طولابی و فولادوند، ۱۳۹۱). از یک منظر، بولگر و زاگرمین ۱۹۹۵ پیشنهاد می‌کنند که به‌طور ویژه نوروزگرایی بالا می‌تواند هر دو حالت قرار گرفتن و واکنش نشان دادن به وقایع استرس‌زا را افزایش دهد. بر اساس این چارچوب، هرج و مرج و یا درگیری‌های روزانه می‌تواند منجر به ارتباط نوروزگرایی با واکنش‌های عاطفی منفی مانند خشم، افسردگی و اضطراب شود (نقل از هاتچینسون و ویلیامز، ۲۰۰۷). همچنین نوروزگرایی روابط درون فردی بین عواطف مثبت و عواطف منفی را تعدیل می‌کند؛ زیرا کسانی که نوروزگرایی بالاتری دارند؛ تمایز عاطفی کمتری را تجربه می‌کنند (اسکالینا، گانسر، آهرنز و ونز، ۲۰۱۵). بنابراین، این امکان وجود دارد که نوروزگرایی نیز به‌واسطه کاهش عواطف مثبت و یا افزایش عواطف منفی منجر به روی‌آوری فرد به رفتارهای خود آسیبی به‌عنوان راه‌گریز شود.

عواطف علاوه بر تأثیرپذیری از صفت نوروزگرایی، در تعامل با ارزش‌هایی که افراد در زندگی خود درونی می‌کنند؛ نیز متأثر می‌شوند. به‌عنوان مثال افرادی که در زندگی خود ارزش‌های مرتبط با تحریک طلبی داشته باشند؛ در پی تجاری خواهند بود که بتوانند عواطف آن‌ها را برانگیزانند (شوارتز، ۱۹۹۲؛ نقل از آریزا-مونتس، آرجونا-فوینتز، هان و لائو، ۲۰۱۷). نظریه ارزش‌های بنیادی انسانی^۱ که توسط شوارتز در سال ۱۹۹۲ مطرح شد و به‌عنوان نظریه مدور ارزشی نیز مطرح است؛ دارای دو مؤلفه هسته‌ای محتوایی و ساختاری است. مؤلفه محتوایی این نظریه مجموعه جامعی شامل ده ریخت‌انگیزی ارزش‌های متمایز شامل هم‌نوایی، سنت، خیرخواهی، جهان‌شمول‌نگری، خود رهنمودی، تحریک طلبی، لذت‌گرایی، پیشرفت، قدرت و ایمنی است (آریزا-مونتس و همکاران، ۲۰۱۷). افراد، ارزش‌های انسانی را به‌عنوان ملاک‌هایی برای انتخاب و توجیه اعمال و همچنین برای ارزشیابی افراد و رویدادها به‌کار می‌بندند (گرونلوند، ۲۰۱۲؛ کاستینا، کرتووا، تلسووا، تسپکووا و وزایرو، ۲۰۱۵). انگیزه‌هایی از قبیل فراهم آوردن احساس تسکینی شبیه به رهایی جنسی (سیلورمن، ۲۰۰۹)، ایجاد برانگیختگی و نشاط (سیلورمن، ۲۰۰۹؛ کلونسکی و کلن، ۲۰۰۹)، احساسات خوشایند (بینت و موس، ۲۰۱۳)، پاسخ به مشکلات هویت جنسی و مقابله با تمایلات جنسی (هاس و پوپ، ۲۰۰۶)، ابراز تمایلات جنسی (اویفسو، برون، چاپینگ و کلانسی، ۲۰۰۸)، محافظت از دیگران-آسیب به خود به جای آسیب به دیگران (هیسلوپ و مک‌کالی، ۲۰۰۹)، پاور، برون و آشر، ۲۰۱۳)، تنبیه خود از جمله تنبیه خود به دلیل احساسات خوشایند، گاهی نیز تنبیه دیگران (اوساک، فورد، راث، بارثا و نئوفلد، ۲۰۱۴) و نشان دادن قدرت و سختی (ادموندسون، برینان و هاوز، ۲۰۱۶) می‌توانند منجر به خود آسیبی شوند. به‌عبارتی رفتار خود آسیبی می‌تواند تحت انگیزه‌های مختلف مبتنی بر ارزش‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی رخ دهد یا ممانعت شود.

1. Basic Human Values Theory

در مجموع، بیشتر پژوهش‌های صورت گرفته در مورد عللی غیر از خودکشی برای خود آسیبی، با نتایجی شامل احساس پریشانی و اعمال نفوذ بین فردی روبه‌رو بوده‌اند. با این وجود، بسیاری از محاسبات اولیه مواردی از قبیل خود اعتباریابی و دستیابی به احساس شخصی تسلط را ذکر کرده‌اند (ادموندسون و همکاران، ۲۰۱۶). بنابراین، به نظر می‌رسد شدت صفت نوروگرایی و میزان عواطف مثبت و منفی که فرد تجربه می‌کند و همچنین نوع ارزش‌هایی که فرد به‌عنوان منابع انگیزشی رفتار درونی می‌کند؛ می‌تواند سوق دهنده و یا ممانعت کننده از اقدام فرد به رفتارهای خود آسیبی باشند. از این رو، در این پژوهش چنین فرض شده است که این سازه‌ها، ملاک‌هایی برای تمیز معنادار افراد خود آسیب رسان از افراد عادی است. علاوه بر این، در صورت تأیید شدن فرضیه‌های این پژوهش، می‌توان دلالت‌های آموزشی و درمانی کاربردی و مفیدی برای جلوگیری از خود آسیبی افراد ارائه کرد. بر همین اساس، هدف پژوهش حاضر تعیین نقش تجربه‌های عاطفی مثبت و منفی، نوروگرایی و ریخت‌های ارزشی انگیزشی در تمیز افراد خود آسیب رسان از افراد عادی و پاسخگویی به سؤال‌های زیر بود.

۱. کدامیک از عامل‌های تجربه‌های مثبت و منفی، تمیز دهنده افراد خود آسیب رسان از افراد عادی است؟

۲. کدامیک از عامل‌های ریخت‌های ارزشی انگیزشی، تمیز دهنده افراد خود آسیب رسان از افراد عادی است؟

۳. آیا نوروگرایی می‌تواند تمیز دهنده افراد خود آسیب رسان از افراد عادی باشد؟

روش

روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع علی-مقایسه‌ای و طرح آن طبقه‌بندی گروهی/تحلیل تشخیصی برای تمایز افراد دارای رفتار خود آسیبی از افراد عادی بر اساس تجربه‌های عاطفی مثبت و منفی، نوروگرایی و ریخت‌های ارزشی انگیزشی بود. جامعه پژوهش شامل دانشجویان خوابگاهی دانشگاه‌های شهر تهران به تعداد تقریبی ۳۵۰۰۰ نفر در سال ۱۳۹۵ بود که بین ۳۰ الی ۵۰ دانشجو از هر یک از دانشگاه‌های تهران، علامه طباطبائی، خوارزمی و شاهد و در مجموع ۲۱۸ نفر با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شد. حجم نمونه شامل ۴۰ نفر در هر یک از گروه‌های خود آسیب رسان و عادی و در مجموع ۸۰ شرکت کننده بود. علت کاهش آزمودنی‌ها این بود که از میان ۲۱۸ نفری که حاضر به شرکت در پژوهش شدند و به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند؛ ۲۶ پرسشنامه ناقص تکمیل شده بود. از میان ۱۹۲ شرکت کننده باقیمانده، ۷ شرکت کننده به دلیل داشتن داده‌های پرت بسیار زیاد از تحلیل کنار گذاشته شدند. برای اجرایی شدن آزمون تحلیل تشخیصی، نمره‌های پرسشنامه خود آسیبی ۱۸۵ نفر باقیمانده بررسی شد و بر اساس نمره‌های خود آسیبی

آن‌ها، ۴۰ شرکت‌کننده‌ای که بالاترین نمره‌های خود آسیبی را داشتند؛ برای گروه دارای رفتار خود آسیبی و ۴۰ شرکت‌کننده‌ای که پایین‌ترین نمره‌های خود آسیبی را داشتند؛ برای گروه افراد عادی انتخاب و داده‌های ۱۰۵ شرکت‌کننده‌ای که نمره‌های حد وسط دو گروه را داشتند؛ از تحلیل نهایی خارج شد. بر اساس نظر کوهن و مانیون (۱۹۸۶)، در پژوهش‌های علی-مقایسه‌ای حجم نمونه برای هر گروه ۲۵ نفر کافی است. تحلیل تشخیصی، روشی آماری است که به پژوهشگر این امکان را می‌دهد تا تفاوت‌های بین دو گروه یا بیشتر را بر حسب چند متغیر به صورت همزمان مطالعه کند. در این روش چند متغیر اسمی یا چند متغیر فاصله‌ای مرتبط می‌شود و از لحاظ فنی در واقع بسط تحلیل واریانس چند متغیری است. تحلیل تشخیصی روشی است که با بهره‌گیری از متغیرهای مستقل، افراد گروه‌ها را که داده‌های آن‌ها به صورت اسمی یا ترتیبی است؛ به بهترین وجه از هم تفکیک و در نهایت متغیرهایی را که به طور مناسب گروه‌ها را از هم تفکیک می‌کنند؛ مشخص می‌کند (کلانتری، ۱۳۸۷).

ابزار پژوهش

۱. پرسشنامه آسیب به خود^۱. این پرسشنامه خود گزارشی ۲۲ ماده‌ای توسط سانسون، ویدرمن و سانسون (۱۹۹۸) ساخته شد و با پاسخ بله = ۱ و خیر = ۰ سابقه آسیب رساندن به خود را بررسی می‌کند و در تشخیص اختلال شخصیت مرزی قابل استفاده است. برای به دست آوردن نمره کلی این پرسشنامه باید فقط پاسخ‌های تأیید شده یعنی «تعداد پاسخ‌های بله» با هم جمع شود و پاسخ‌های خیر در نمره‌گذاری نقشی ندارد. بیشترین نمره در این پرسشنامه ۲۲ است. مطالعه اعتبار این پرسشنامه با نقطه برش ۵ یا بیشتر، ۸۴ درصد از پاسخ‌دهندگان را که بر اساس مصاحبه تشخیصی اختلال مرزی، واجد این اختلال به شمار می‌رفتند؛ در طبقه اختلال شخصیت مرزی به طور دقیق طبقه بندی کرد (سانسون و همکاران، ۱۹۹۸). پژوهش‌های بعدی اعتبار همگرایی این ابزار را با ابزارهای خود گزارشی شخصیت مرزی، افسردگی و سابقه آزار دیدگی در کودکی نشان داده‌اند (نقل از طاهباز حسین زاده، قربانی و نبوی، ۱۳۹۰). در مطالعه طاهباز و همکاران (۱۳۹۰) آلفای کرونباخ این پرسشنامه ۰/۷۴ و در مطالعه حاضر آلفای کرونباخ آن ۰/۷۱ به دست آمد.

۲. مقیاس تجربه مثبت و منفی^۲. این مقیاس ۱۲ پرسشی توسط دینر، رایتز، تاو، کیم-پریو و همکاران در سال ۲۰۱۰ تدوین شد که ۶ سؤال آن تجربه‌های مثبت و ۶ سؤال آن تجربه‌های منفی را ارزیابی می‌کند (نقل از کُرمی نوری، فراهانی و تروست، ۲۰۱۳). پاسخگویی به این مقیاس در دامنه‌ای از به ندرت یا هرگز = ۱ تا اغلب یا همیشه = ۵ قرار دارد. مقیاس تجربه مثبت و منفی به

1. Self-Harm Inventory

2. Scale of Positive and Negative Experience (SPANE)

دلیل بی‌ثباتی «پرسشنامه عواطف مثبت و منفی^۱» واتسون، کلاک و تلیگن (۱۹۹۸؛ نقل از گرمی نوری و همکاران، ۲۰۱۳) ساخته شد. بر همین اساس، نسخه فارسی و سوئدی از نسخه فعلی مقیاس تجربه مثبت و منفی در مطالعه مقدماتی در مورد ۴۳ دانشجوی کارشناسی روان‌شناسی ایرانی و ۳۹ دانشجوی مقطع کارشناسی روان‌شناسی سوئدی اجرا شد. ضریب پایایی آلفای کرونباخ برای عواطف مثبت و عواطف منفی ضعیف بود که به احتمال زیاد با عدم ثبات و پایایی پایین مربوط به دو گویه عواطف مثبت «شاد و راضی» و دو گویه عواطف منفی «خشم و ترس» بود و چون یافته‌ها به‌طور مشابهی در مورد اشتراک و همبستگی کل پرسش‌ها توسط دینر و همکاران ۲۰۱۰ گزارش شده بود؛ از این رو، این ۴ پرسش حذف شد که بر این اساس نتایج ضریب آلفای کرونباخ برای ۴ پرسش باقیمانده از عواطف مثبت ۰/۸۴ و در نمونه سوئدی = ۰/۶۶ و برای ۴ پرسش باقیمانده از عواطف منفی در نمونه ایرانی = ۰/۸۱ و در نمونه سوئدی = ۰/۸۴ به دست آمد (گرمی نوری و همکاران، ۲۰۱۳). در مطالعه حاضر آلفای کرونباخ تجارب مثبت = ۰/۷۸ و برای تجارب منفی = ۰/۸۱ به دست آمد.

۳. مقیاس زمینه‌یاب ارزشی شوارتز^۲. این پرسشنامه ۴۸ گویه‌ای توسط شوارتز در سال ۱۹۹۲ تدوین شد و دارای ریخت‌های ارزشی پیشرفت، لذت جویی، تحریک طلبی، خود رهنمود دهی، جهان شمول‌نگری، خیرخواهی، سنت، همنوایی و ایمنی است. طیف پاسخگویی به هر اصطلاح توصیفگر ارزشی بین مخالف ارزش‌های من است = ۱ تا در عالی‌ترین درجه اهمیت برای من است = ۷ است. اعتبار این پرسشنامه از طریق سلسله ارزش‌های نمونه از ۲۰ دانشجوی روان‌شناسی دوره لیسانس سال‌های بالا به دو روش به دست آمد و تأیید شد. در تعیین پایایی، ضرایب پایایی دارای دامنه‌ای از ۰/۴۷ برای ارزش‌های اجتماعی تا ۰/۷۰ برای ارزش‌های اقتصادی بود (شوارتز، ۱۹۹۲ و ۲۰۰۶؛ نقل از دلخوش، ۱۳۸۴). قابلیت اعتماد این پرسشنامه در نمونه ایرانی مشتمل بر ۱۲۰ دانشجوی دختر و پسر از طریق روش بازآزمون به فاصله دو هفته تأیید شد. ضرایب پایایی به دست آمده شامل ایمنی = ۰/۷۸۳، قدرت = ۰/۸۶۵، پیشرفت = ۰/۸۲۶، لذت جویی = ۰/۸۶۱، تحریک طلبی = ۰/۸۱۱، خود رهنمود دهی = ۰/۷۸۳، جهان شمول‌نگری = ۰/۸۱۳، خیرخواهی = ۰/۷۸۵، سنت = ۰/۸۰۳ و همنوایی = ۰/۷۶۷ حاکی از قابلیت اعتماد ریخت‌های ارزشی است (دلخوش، ۱۳۸۴). در مطالعه حاضر آلفای کرونباخ برای ایمنی = ۰/۸۱، قدرت = ۰/۷۹، پیشرفت = ۰/۷۹، لذت جویی = ۰/۸۲، تحریک طلبی = ۰/۸۳، خود رهنمود دهی = ۰/۷۴، جهان شمول‌نگری = ۰/۷۷، خیرخواهی = ۰/۸۲، سنت = ۰/۷۸ و همنوایی = ۰/۷۰ به دست آمد.

1. Positive Affect Negative Affect Scale (PANAS)
2. Schwartz Value Survey Questionnaire (SVS)

۴. پرسشنامه شخصیت ۵ عاملی نئو^۱. این پرسشنامه توسط مک‌کری و کاستا در سال ۱۹۸۶ تحت عنوان پرسشنامه شخصیت NEO معرفی شد. نسخه کوتاهی از آن تحت عنوان پرسشنامه ۵ عاملی شخصیت نئو (NEO-FFI) بر اساس تحلیل عاملی نمره‌های NEO-PI تهیه شد که شامل ۶۰ سؤال است و پنج عامل بزرگ شخصیت شامل نوروزگرایی، برونگرایی، گشودگی یا دلپذیر بودن، سازگاری یا انعطاف‌پذیر بودن و مسئولیت‌پذیری یا با وجدان بودن را می‌سنجد (روشن چسلی، ۲۰۰۶). در این مقیاس، شرکت‌کننده در پاسخ به هر جمله از ۶۰ سؤال بایستی یکی از گزینه‌های کاملاً مخالفم = ۱، مخالفم = ۲، نظری ندارم = ۳، موافقم = ۴ و کاملاً موافقم = ۵ را انتخاب نماید (انیسی، مجدیان، جوشن‌لو و گوهری، ۲۰۱۱). بررسی اعتبار با استفاده از روش آلفای کرونباخ در پژوهش انیسی و همکاران (۲۰۱۱) نشان داد که آلفای ویژگی‌های با وجدان بودن و روان‌آزرده‌گرایی به ترتیب آلفای ۰/۸۳ و ۰/۸۰ و آلفای ویژگی‌های شخصیتی موافق بودن و برونگرایی به ترتیب ۰/۶۰ و ۰/۵۸ است؛ اما ویژگی گشودگی فاقد همسانی درونی قابل قبول و برابر با ۰/۳۹ بود. به علاوه در بررسی روایی همزمان مشاهده شد که ضریب همبستگی روان‌آزرده‌گرایی و برونگرایی در پرسشنامه نئو با روان‌آزرده‌گرایی و برونگرایی در پرسشنامه آیزنک به ترتیب معادل ۰/۶۸ و ۰/۴۷ است (انیسی و همکاران، ۲۰۱۱). در مطالعه حاضر آلفای کرونباخ عامل نوروزگرایی ۰/۶۷ به دست آمد.

شیوه اجرا. برای اجرای پژوهش ابتدا به مدیریت خوابگاه‌های دانشگاه‌های تهران، علامه طباطبایی، خوارزمی و شاهد مراجعه و سپس به صورت در دسترس از افراد ساکن در خوابگاه‌های دخترانه و پسرانه هر سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری که تمایل به همکاری داشتند؛ خواسته شد که پرسشنامه آسیب به خود را که روی آن کدگذاری شده بود؛ تکمیل کنند. همزمان به شرکت‌کنندگان اطلاع داده شد که این کُد، کُد شناسایی است که در مرحله دوم پژوهش چنانچه انتخاب شوند؛ می‌توانند بقیه مقیاس‌ها و پرسشنامه‌ها را جهت کمک به اهداف پژوهش تکمیل کنند. در مرحله دوم و بعد از انتخاب و غربالگری ۴۰ نفر از افراد خود آسیب‌رسان و ۴۰ نفر از افراد غیر خود آسیب‌رسان که در این پژوهش عادی خوانده می‌شوند؛ موازین اخلاقی نظیر رازداری، محرمانه ماندن اطلاعات آن‌ها و نیز رایگان بودن منابع بیان و رعایت شد. سپس بر اساس کُد داده شده به پرسشنامه‌ها، ۸۰ نفر انتخاب و شناسایی و بعد از مراجعه به تک به تک آن‌ها، از هر یک از آن‌ها خواسته شد که پرسشنامه‌های شخصیت ۵ عاملی نئو، مقیاس زمینه‌یاب ارزشی شوارتز و مقیاس تجربه مثبت و منفی را تکمیل کنند. اطلاعات جمع‌آوری شده استخراج و با استفاده از روش آماری تحلیل تشخیصی تحلیل شد.

1. NEO Five Factor Personality Inventory

یافته‌ها

میانگین و انحراف معیار سنی در گروه خود آسیب رسان به ترتیب ۲۷/۴۰ و ۳/۳۴ و در گروه عادی ۲۷/۰۷ و ۳/۸۸ بود. در نمونه اصلی پژوهش تعداد دختران و پسران مساوی بود؛ اما پس از تقسیم افراد در گروه‌ها بر حسب نمره خود آسیب رسانی، در گروه خود آسیب رسان ۱۳ دختر و ۲۷ پسر و در گروه عادی ۲۸ دختر و ۱۲ پسر قرار گرفتند. همچنین در گروه خود آسیب رسان ۲۸ نفر مجرد و ۱۲ نفر متأهل و در گروه عادی ۳۰ نفر مجرد و ۱۰ نفر متأهل بودند. از نظر سطح تحصیلات، در گروه خود آسیب رسان ۱۳ دانشجوی کارشناسی و ۲۷ دانشجوی کارشناسی ارشد، و در گروه عادی ۶ دانشجوی کارشناسی و ۳۴ دانشجوی کارشناسی ارشد حضور داشتند.

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار متغیرها و آزمون برابری میانگین‌ها در دو گروه

F	آزمون برابری میانگین‌ها			گروه‌بندی				متغیر
	درجه آزادی ۲	درجه آزادی ۱	لامبدای ویلکز	خود آسیب رسان		عادی		
				انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	
۴۴/۹۴**	۷۸	۱	۰/۶۳**	۵/۵۴	۲۶/۳۲	۵/۰۴	۱۸/۳۷	نوروزگرایی
۱۵/۸۴**	۷۸	۱	۰/۸۳**	۲/۹۹	۱۱/۰۰	۲/۸۴	۱۳/۶۰	عاطفه مثبت
۸/۰۴**	۷۸	۱	۰/۹۱**	۳/۳۲	۱۲/۰۰	۲/۹۷	۱۰/۰۰	عاطفه منفی
۳/۶۰	۷۸	۱	۰/۹۶	۳/۷۴	۱۴/۱۷	۴/۸۰	۱۲/۳۵	قدرت
۲/۲۲	۷۸	۱	۰/۹۷	۷/۳۳	۳۰/۶۲	۶/۳۹	۳۲/۹۰	پیشرفت
۰/۴۸	۷۸	۱	۰/۹۹	۴/۰۵	۱۴/۱۲	۴/۰۰	۱۳/۵۰	لذت جویی
۰/۰۲	۷۸	۱	۱/۰۰	۴/۹۷	۱۱/۲۰	۵/۳۳	۱۱/۳۷	تحریک طلبی
۰/۰۱	۷۸	۱	۱/۰۰	۵/۴۶	۳۲/۱۲	۶/۰۴	۳۲/۱۰	خودرهنموددهی
۸/۹۶**	۷۸	۱	۰/۹**	۹/۶۷	۳۷/۱۲	۸/۶۷	۴۳/۲۷	جهان شمولی
۱۵/۱۴**	۷۸	۱	۰/۸۲**	۷/۲۰	۲۴/۴۵	۴/۵۶	۲۹/۷۰	خیرخواهی
۱۳/۶۸**	۷۸	۱	۰/۸۵**	۵/۵۴	۱۴/۲۲	۵/۳۹	۱۸/۷۵	سنت
۱۶/۳۹**	۷۸	۱	۰/۸۳**	۴/۶۴	۱۹/۷۰	۳/۷۶	۲۳/۵۲	همنوایی
۷/۵۴**	۷۸	۱	۰/۹۱**	۵/۳۹	۲۶/۰۵	۴/۴۹	۲۹/۱۰	ایمنی

* $P < 0.05$ ** $P < 0.01$

در جدول ۱ به‌طور معناداری سطح نوروزگرایی ($P = 0.001$)، و عاطفه منفی ($P = 0.006$) گروه خود آسیب رسان بالاتر از افراد عادی و سطح عاطفه مثبت ($P = 0.001$)، جهان شمولی ($P = 0.004$)، خیرخواهی ($P = 0.001$)، سنت ($P = 0.001$)، همنوایی ($P = 0.001$)، و ایمنی ($P = 0.007$) آن‌ها پایین‌تر از گروه افراد عادی است.

جدول ۲. خلاصه نتایج تابع‌های تشخیصی کانونی واریانس تبیین شده متغیر وابسته

تابع	ارزش ویژه	همبستگی کانونی	آماره لامبدای ویلکز	df	تبدیل شده χ^2
۱	۰/۹۹۲	۰/۷۰۶	۰/۵۰۲	۱۳	۴۹/۶۲ **

* $P < ۰/۰۵$ ** $P < ۰/۰۱$

در جدول ۲ با توجه به مقدار ویژه که قدرت تبیین‌گری تابع را نشان می‌دهد و بر اساس اینکه توان دوم همبستگی کانونی که درصد واریانس تبیین شده متغیر وابسته را نشان می‌دهد؛ تابع تشخیصی حاضر قادر به تبیین ۴۹/۸ درصد از واریانس رفتار خود آسیبی/عدم خود آسیبی است. برای بررسی معنادار بودن/نبودن ارزش ویژه به دست آمده از سطح معناداری آماره لامبدای ویلکز در حالت تبدیل شده χ^2 استفاده شد و نتایج معنادار آماره لامبدای ویلکز نشانگر معنادار بودن ارزش ویژه تابع تشخیصی حاضر بود ($P = ۰/۰۰۱$).

جدول ۳. نتایج مربوط به ماتریس ضرایب ساختاری متمایز کننده گروه‌ها

متغیر مستقل	تابع
	۱
نوروزگرایی	۰/۷۶۲
همنوایی	-۰/۴۶۰
عواطف مثبت	-۰/۴۵۳
خیرخواهی	-۰/۴۴۳
سنت	-۰/۴۲۱
جهان شمولی	-۰/۳۴۰
عواطف منفی	۰/۳۲۲
ایمنی	-۰/۳۱۲
قدرت	۰/۲۱۶
پیشرفت	-۰/۱۶۹
لذت جویی	۰/۰۷۹
تحریک طلبی	۰/۰۱۷
خود رهنمود دهی	۰/۰۰۲

بر اساس نتایج جدول ۳ به ترتیب متغیرهای نوروزگرایی، همنوایی، عواطف مثبت، خیرخواهی، سنت، جهان شمولی و عواطف منفی، قوی‌ترین رابطه را با تابع حاضر دارند و متمایز کننده گروه‌ها از یکدیگر هستند. اما متغیرهای دیگر در تمیز دو گروه عملکرد ضعیف‌تری دارند.

جدول ۴. نتایج طبقه‌بندی در گروه خود آسیب رسان و گروه عادی

کل	اعضای گروه پیش‌بینی شده		گروه‌ها	تعداد
	خود آسیب رسان	عادی		
۴۰	۲	۳۹	عادی	
۴۰	۳۵	۵	خود آسیب رسان	
۱۰۰	۵	۹۵	عادی	درصد
۱۰۰	۸۷/۵	۱۲/۵	خود آسیب رسان	

جدول ۴ نشان می‌دهد که تابع تشخیصی حاضر می‌تواند؛ ۹۱/۳ درصد همه موارد و ۸۷/۵ شرکت کننده‌های خود آسیب رسان و ۹۵ درصد شرکت کننده‌های عادی را به درستی پیش‌بینی کند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر شناسایی افراد خود آسیب رسان از افراد عادی بر اساس عواطف، نوروزگرایی و ریخت‌های ارزشی انگیزشی بود. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که بر اساس عواطف مثبت به‌صورت عکس و بر اساس عواطف منفی به‌صورت مستقیم می‌توان افراد خود آسیب رسان را از افراد عادی تمیز داد. این نتایج با یافته‌های پژوهش‌های پی و همکاران (۲۰۱۷)؛ مولنکامپ، براسک، کائیکلی و وایتلوک (۲۰۱۳)؛ آدریان و همکاران (۲۰۱۱)؛ کلیز، هوابن، واندریکن، بیتبیر و مولنکامپ (۲۰۱۰)؛ و جاکوبسن، مولنکامپ، میلر و تارنر (۲۰۰۸) همخوان است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که وقایع منفی زندگی می‌توانند ماشه چکان افسردگی (ماندلی و همکاران، ۲۰۱۵)، رفتارهای تحریک کننده (لاولو، ۲۰۱۳) و خشونت آمیز (جلای و همکاران، ۲۰۰۸) باشند و افراد به منظور مقابله با تجربه این هیجان‌های منفی ممکن است به راهکارهای ناسازگار مانند رفتارهای خود آسیب رسان روی آورند (مولنکامپ و همکاران، ۲۰۱۲). زیرا رفتارهای خود آسیبی به‌صورت موقت موجب کاهش ناراحتی عاطفی فرد و این امر باعث تقویت و ادامه به رفتارهای خود آسیبی می‌شود (کلیز و همکاران، ۲۰۱۰). بنابراین، از آنجایی که عاطفه منفی بُعد کلی از پریشانی ذهنی است که شامل دامنه گسترده‌ای از حالت‌های خلقی منفی مانند خشم، ترس، غم، نفرت و گناه است؛ فرد با دست زدن به رفتارهای خود آسیب رسان تلاشی ناکارآمد و موقت انجام می‌دهد تا این پریشانی هیجانی و عاطفی را کاهش دهد؛ اما در مقابل، چون عاطفه مثبت نشان‌دهنده میزان احساس اشتیاق، فعال و هوشیار بودن فرد است (واتسون و تلگن، ۱۹۸۵؛ نقل از بابایی، پورشهباز، رضایی و دولت‌شاهی، ۲۰۱۴)؛ فرد الزامی درونی برای دست زدن به رفتارهای خود آسیب رسان جهت رهایی از عواطف مثبت ندارد؛ بلکه عواطف مثبت برای او خوشایند و مطلوب است. در نتیجه، افرادی که عواطف مثبت را تجربه می‌کنند؛ گرایشی به رفتارهای خود آسیب رسان ندارند.

افزون بر این، یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که نمره نوروزگرایی بالاتر، به صورت مستقیم با رفتارهای خود آسیبی بیشتر همراه است و عاملی برای تمایز بین افراد خود آسیب‌رسان از افراد عادی است. این یافته با پژوهش‌های پی و همکاران (۲۰۱۷)؛ سان و همکاران (۲۰۱۶)؛ مولنکامپ و همکاران (۲۰۱۲)؛ هاتچینسون و ویلیامز (۲۰۰۷)، همخوان است. در تبیین این یافته نیز می‌توان به همان تبیین مربوط به عواطف، یعنی خود تنظیمی عواطف منفی از طریق رفتارهای خود آسیبی اشاره کرد؛ زیرا افرادی با نمره‌های بالا در نوروزگرایی به طور معمول به صورت مزمن عاطفه منفی زیادی را و نیز تنش عصبی مداوم، افسردگی، احساس گناه و اضطراب همراه با تفکر غیرمنطقی، عزت نفس پایین و کنترل ضعیف تکانه (هاتچینسون و ویلیامز، ۲۰۰۷) و خشونت (سان و همکاران، ۲۰۱۶) را تجربه می‌کنند. همچنین، نوروزگرایی روابط درون فردی بین عواطف مثبت و عواطف منفی را دستکاری می‌کند؛ زیرا کسانی که نوروزگرایی بالاتری دارند؛ تمایز عاطفی کمتری را تجربه می‌کنند (اسکالینا و همکاران، ۲۰۱۵). بنابراین، این احتمال وجود دارد که تجربه‌های مبهم و منفی ناشی از نوروزگرایی بالا نیز موجب خود آسیبی شود. در واقع، استفاده از رفتارهای خود آسیب‌رسان به عنوان یک راهبرد نظم دهی به هیجان‌های منفی (پی و همکاران، ۲۰۱۷)؛ مائیلنکاپ و همکاران، ۲۰۱۲)، در مورد عواطف منفی ناشی از نوروزگرایی نیز صدق می‌کند؛ زیرا بدتنظیمی هیجانی و نشانگان افسردگی که در نوروزگرایی بالا هم دیده می‌شود؛ با فراوانی بالای خود آسیبی رابطه داشته است (پی و همکاران، ۲۰۱۷). در نتیجه، با آگاهی از نمره‌های بالای نوروزگرایی می‌توان افراد خود آسیب‌رسان را از افراد عادی تمیز داد.

یافته‌های این پژوهش همچنین نشان داد که نمره ریخت‌های ارزشی انگیزشی شامل جهان شمولی، خیرخواهی، سنت، همنوایی و ایمنی در افراد خود آسیب‌رسان به طور معناداری پایین‌تر از گروه افراد عادی است و طبق نمره پایین افراد خود آسیب‌رسان در این ریخت‌های ارزشی می‌توان آن‌ها را از افراد عادی تمیز داد. این یافته با پژوهش‌های پیشین مانند اوساک و همکاران (۲۰۱۴)، پاور و همکاران (۲۰۱۳)، هیسلوپ و مک‌کالی (۲۰۰۹)، اویفسو و همکاران (۲۰۰۸) همخوان است. در تبیین این یافته لازم است؛ اشاره شود که ارزش‌های انسانی توسط افراد به عنوان ملاک‌هایی برای انتخاب و توجیه اعمال و ارزشیابی افراد و رویدادها به کار می‌رود (گرونلوند، ۲۰۱۲)؛ کاستینا و همکاران، ۲۰۱۵). به عنوان مثال، برخی افراد با انگیزه‌هایی از قبیل محافظت از دیگران، برای آسیب به خود به جای آسیب به دیگران (هیسلوپ و مک‌کالی، ۲۰۰۹)؛ پاور و همکاران، ۲۰۱۳)، تنبیه خود و گاهی نیز تنبیه دیگران (اوساک و همکاران، ۲۰۱۴) دست به رفتارهای خود آسیبی می‌زنند؛ اما وقتی فردی در ریخت انگیزشی احساس ایمنی، مواردی مانند احساس تعلق خاطر، تندرستی و امنیت خانوادگی یا در ریخت انگیزشی همنوایی مواردی مانند خود انضباطی، ادب و احترام به والدین، یا در ریخت جهان شمولی مواردی مانند یگانگی با طبیعت و برخورداری

از وسعت نظر را یا در ریخت خیرخواهی مواردی مانند مسئولیت پذیری و بخشاینده بودن و یا در ریخت انگیزشی سُنّت مواردی مانند تواضع و پذیرش سهم خود از زندگی (دلخمش، ۱۳۹۱) نمره بالا دریافت می‌کند؛ چنین فردی از احساسات رضایت درون فردی، خانوادگی و اجتماعی برخوردار است و در ارتباط با دیگران و حتی طبیعت، تعاملی خوشایند دارد و عواطف مثبت بالا اما عواطف منفی پایینی را تجربه می‌کند. بنابراین، چنین شخصی که تجارب مبتنی بر ارزش ناخوشایند و عواطف منفی پایینی دارد؛ انگیزه‌ای برای خود آسیب رسانی ندارد. اما، شخصی که از غنای این ارزش‌های انگیزشی برخوردار است؛ کافی ندارد؛ ممکن است که امنیت درون فردی، تعاملات خوشایند بین فردی و نگرش مثبت به طبیعت را کمتر تجربه کند و در نتیجه امکان دارد که این احساس کمبود و عواطف منفی ناشی از آن، منجر به رفتارهای جبرانی یا اجتنابی مختلفی از قبیل خود آسیب رسانی شود.

در پژوهش حاضر برخی ریخت‌های انگیزشی شامل قدرت، پیشرفت، لذت جویی، تحریک طلبی و خود رهنمود دهی نتوانستند به‌طور معناداری افراد خود آسیب رسان را از افراد عادی متمایز کنند. این یافته با پژوهش‌های پیشین مانند ادموندسون و همکاران (۲۰۱۶)؛ بینت و موس (۲۰۱۳)؛ سیلورمن (۲۰۰۹)؛ و کلونسکی و کلن (۲۰۰۹) ناهمخوان است. در مورد این یافته باید اشاره شود که طبق الگوی مدور شوارتز و همکاران (۱۹۹۲)؛ نقل از گرانیست و کجونایس، (۲۰۱۵) وقتی که متغیری رابطه‌ای قوی با یک نوع از ارزش‌ها داشته باشد؛ روابط آن متغیر با دیگر ارزش‌ها به گونه‌ای یکنواخت کاهش می‌یابد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که طبق الگوی مدور شوارتز ۱۹۹۲، در پژوهش حاضر این یافته قابل توجیه است که ارزشی مانند «همنوایی» قوی‌ترین و ارزشی مانند «خود رهنمود دهی» کمترین رابطه را با رفتارهای خود آسیبی داشته باشد و بقیه ارزش‌ها در میان این دو قرار بگیرند؛ در نتیجه ارزش‌هایی که در سمت ابتدای طیف مدور قرار می‌گیرند؛ توان تمیز معناداری در مورد دو گروه خود آسیب رسان و عادی دارند و بعد از آن ارزش قدرتمند در الگوی پژوهشی حاضر هر چه به سمت انتهای طیف مدور ارزش‌ها نزدیک شوند؛ توان تمیزدهندگی دو گروه خود آسیب رسان و عادی توسط سایر ارزش‌ها ضعیف و غیر معنادار شود. در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت که نوروگرایی و عواطف منفی با ایجاد حالت‌های هیجانی ناخوشایند در شخص، باعث می‌شوند تا فرد برای رهایی موقت از این تجارب هیجانی ناخوشایند اقدام به خود آسیب زنی کند. اما در سویی دیگر، عواطف مثبت و برخی ریخت‌های انگیزشی مانند جهان شمولی، خیرخواهی، سُنّت، همنوایی و ایمنی با کمک به تجربه احساس رضایت درون فردی و برون فردی، به شکل‌گیری الگوهای رفتاری کارآمد و کاهش احتمال بروز رفتارهای خود آسیبی کمک می‌کنند؛ در نتیجه، شدت وجود صفت نوروگرایی، چگونگی تجربیات عاطفی و برخی ریخت‌های ارزشی انگیزشی می‌توانند؛ به‌عنوان ملاک‌هایی برای تمیز افراد خود آسیب رسان از

تمیز افراد خود آسیب‌رسان از افراد عادی بر اساس تجربه‌های مثبت و ...

عادی لحاظ شوند. همچنین، پیشنهاد می‌شود که در رویکردهای آموزشی درمانی و فرزندپروری به افراد کمک شود تا ریخت‌های ارزشی کارآمد و شیوه‌های تجربه کردن غنی عواطف مثبت را درونی کنند.

سپاسگزاری

از مدیریت خوابگاه‌های دانشگاه‌های تهران، علامه طباطبایی، خوارزمی و شاهد و نیز تمامی دانشجویانی که با شکیبایی و بردباری در این پژوهش همکاری کرده‌اند؛ قدردانی می‌شود. این پژوهش برگرفته از طرح پژوهشی است که بدون حمایت مالی و با هزینه شخصی انجام شده است و نویسندگان این پژوهش به‌طور مساوی در انجام آن مشارکت داشته‌اند.

منابع

- آزاد عبدالله پور، محمد، شکری، امید، تقی لو، صادق، طولابی، سعید، و فولادوند، خدیجه. (۱۳۹۱). تغییرناپذیری جنسی روابط بین روان رنجور خوبی، برون گرای، سبک‌های مقابله، تنشگرهای تحصیلی و واکنش به آن با بهزیستی ذهنی. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*، ۶(۳): ۱۱۸-۱۰۳.
- حشمتی، رسول. (۱۳۹۳). ساختار عاملی نسخه کوتاه مقیاس بین‌المللی عاطفه مثبت و منفی در بیماران عروق کرونر. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*، ۸(۲): ۵۶-۴۱.
- دلخמוש، محمد تقی. (۱۳۸۴). شناسایی محتوا و ساختار ارزش‌های انسانی در دانشجویان ایرانی. *روان‌شناسی تحولی*، ۲(۱): ۳۴-۱۵.
- دلخמוש، محمدتقی. (۱۳۹۱). زمینه‌یاب ارزشی شوارتز: پرسشنامه، شیوه اجرا و کلید نمره‌گذاری (نسخه فارسی). *روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، ۹(۲): ۲۱۳-۲۱۷.
- طاهباز حسین‌زاده، سحر، قربانی، نیما، و نبوی، سید مسعود. (۱۳۹۰)، مقایسه گرایش شخصیتی خود تخریبی و خودشناسی انسجامی در بیماران مبتلا به مالتیپل اسکروز و افراد سالم. *روان‌شناسی معاصر*، ۶(۲): ۴۴-۳۵.
- کلانتری، خلیل. (۱۳۸۷). *پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی-اقتصادی با استفاده از نرم افزار SPSS*. تهران: فرهنگ صبا.
- گل‌پرور، محسن، و کرمی، مهرانگیز. (۱۳۸۹). نقش تعدیل‌کننده عواطف مثبت و منفی در پیوند میان بی‌عدالتی سازمانی و رفتارهای مخرب کارکنان. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*، ۴(۳): ۲۳-۷.

References

- Adrian, M., Zeman, J., Erdley, C., Lisa, L., & Sim, L. (2011). Emotional dysregulation and interpersonal difficulties as risk factors for nonsuicidal self-

- injury in adolescent girls. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 39(3): 389–400.
- Anisi, J., Majdiyan, M., Joshanloo, M., & Ghoharikamel, Z. (2011). Validity and reliability of NEO Five-Factor Inventory (NEO-FFI) on university students. *Journal of Behavioral Sciences*, 5(4): 17-18.
- Ariza-Montes, A., Arjona-Fuentes, J.M., Han, H., & Law, R. (2017). Employee responsibility and basic human values in the hospitality sector. *International Journal of Hospitality Management*, 62(1): 78–87.
- Babaei, Z., Pourshahbaz, A., Rezaei Dogahneh, E., & Dolatshahi, B. (2014). The relationship between negative and positive affectivity, self-focused attention and attentional control with severity of social anxiety symptoms. *Practice in Clinical Psychology*, 2(3): 149-155.
- Bennett, A. L., & Moss, M. (2013). Functions of deliberate self-injury of personality disordered prisoners: A small-scale study. *Journal of Forensic Pract*, 15(1): 171–181.
- Claes, L., Houben, A., Vandereycken, W., Bijttebier, P., & Muehlenkamp, J. J. (2010). The association between non-suicidal self-injury, self-concept and acquaintance with self-injurious peers in a sample of adolescents. *Journal of Adolescence*, 5(1): 775–778.
- Cohen, L. & Manion, L. (1986). *Research methods in education*. London: Routledge.
- Edmondson, A.J., Brennam, C.A., & House, A.O. (2016). Non-suicidal reasons for self-harm: A systematic review of self-reported accounts. *Journal of Affective Disorders*, 23(1): 109-117.
- Gelaye, B., Philpart, M., Goshu, M., Berhane, Y., Fitzpatrick, A., & Williams, M. (2008). Anger expression, negative life events and violent behaviour among male college students in Ethiopia. *Scandinavian Journal of Public Health*, 36(5): 538-545.
- Grankvist, G., & Kajonius, P. (2015). Personality traits and values: a replication with a Swedish sample. *International Journal of Personality Psychology*, 1(1): 8-14.
- Grönlund, H. (2012). Religiousness and volunteering: searching for connections in late modernity. *The International Journal of Religion and Spirituality in Society*, 25(1): 47–66.
- Haas, B., & Popp, F. (2006). Why do people injure themselves? *Psychopathology*, 39(1): 10–18.
- Heslop, P., & Macaulay, F. (2009). *Hidden pain. Self-injury and people with learning disabilities*. Bristol Crisis Serv. Women/Norah Fry Research Centre.
- Hutchinson, J., & Williams, P. (2007). Neuroticism, daily hassles, and depressive symptoms: An examination of moderating and mediating effects. *Personality and Individual Differences*, 42(7): 1367–1378.
- Jacobson, C. M., Muehlenkamp, J. J., Miller, A. L., & Turner, J. B. (2008). Psychiatric impairment among adolescents engaging in different types of

- deliberate self-harm. *Journal of clinical child and adolescent psychology*, 37(2): 363-375.
- Klonsky, E.D., & Glenn, C.R. (2009). Assessing the functions of non-suicidal self-injury: psychometric properties of the Inventory of Statements about Self-Injury (ISAS). *Journal of Psychopathology and Behavioral Assessment*, 8(3): 215-219.
- Kormi-Nouri, R., Farahani, M. N., & Trost, K. (2013). The role of positive and negative affect on well-being amongst Swedish and Iranian university students. *The Journal of Positive Psychology*, 8(5): 435-443.
- Kostina, E., Kretova, L., Teleshova, R., Tsepikova, A., & Vezirov, T. (2015). Universal human values: Cross-cultural comparative analysis. *Social and Behavioral Sciences*, 29(2): 1019 – 1028.
- Lang, C. M., & Sharma-Patel, K. (2011). The relation between childhood maltreatment and self-injury: A review of the literature on conceptualization and intervention. *Trauma, Violence, & Abuse*, 12(1): 23–37.
- Lovallo, W. (2013). Early life adversity reduces stress reactivity and enhances impulsive behavior: Implications for health behaviors. *International Journal of Psychophysiology*, 90(1): 8–16.
- Mandelli, L., Nearchou, F., Vaiopoulos, C., Stefanis, C., Vitoratou, S., Serretti, A., & Stefanis, N. (2015). Neuroticism, social network, stressful life events: Association with mood disorders, depressive symptoms and suicidal ideation in a community sample of women. *Psychiatry Research*, 226(1): 38–44.
- Muehlenkamp, J. J., Brausch, A., Quigley, K., & Whitlock, J. (2013). Interpersonal features and functions of nonsuicidal self-injury. *Suicide and Life-Threatening Behavior*, 43(1): 67-80.
- Muehlenkamp, J. J., Peat, C. M., Claes, L., & Smits, D. (2012). Self-injury and disordered eating: expressing emotion dysregulation through the body. *Suicide Life-Threat Behav*, 42(1): 416-425.
- Osuch, E., Ford, K., Wrath, A., Bartha, R., & Neufeld, R. (2014). Functional MRI of pain application in youth who engaged in repetitive non-suicidal self-injury vs. psychiatric controls. *Psychiatry Res*, 223(1): 104–112.
- Oyefeso, A., Brown, S., Chiang, Y., & Clancy, C. (2008). SIB, traumatic life events and alexithymia among treatment seeking opiate addicts, prevalence, pattern and correlates. *Drug and Alcohol Dependence*, 98(1): 227–234.
- Peh, C. X., Shahwan, S., Fauziana, R., Mahesh, M. V., Sambasivam, R., Zhang, Y. J., Ong, S. H., Chong, S. A., & Subramaniam, M. (2017). Emotion dysregulation as a mechanism linking child maltreatment exposure and self-harm behaviors in adolescents. *Child Abuse & Neglect*, 67(3): 383-390.
- Power, J., Brown, S.L., Usher, A.M. (2013). Non-suicidal self-injury in women offenders: motivations, emotions, and precipitating events. *Int. J. Forensic Ment. Health*, 12(2): 192–204.
- Roshan Chesly, R. (2006). Investigate psychometric characteristics of 5-Factor Personality Inventory NEO (NEO-FFI). *Daneshvar Raftar*, 4(4): 27-36.
- Sansone, R. A., Wiederman, M. W., & Sansone, L. A. (1998). The Self-Harm Inventory (SHI): development of a scale for identifying selfdestructive

- behaviors and borderline personality disorder. *Journal of Clinical Psychology*, 54(7): 973-83.
- Schwartz, S. H. (1992). *Universals in the content and structure of values*. In M. Zanna (Ed.), *Advances in experimental social psychology* (pp. 1-65). New York: Academic Press.
- Silverman, J. (2009). *Functions and correlates of DSH among adjudicated male adolescents*. Clinical Psychology. University of Nevada, Las Vegas, UNLV, p. 166, Theses. Dissertations. Professional Papers. Capstones. Paper 32.
- Sim, L., Adrian, M., Zeman, J., Cassano, M., & Friedrich, W. N. (2009). Adolescent deliberate self-harm: Linkages to emotion regulation and family emotional climate. *Journal of Research on Adolescence*, 19(1): 75-91.
- Skalina, L., Gunthert, K., Ahrens, A., & Wenze, S. (2015). Neuroticism and momentary differentiation of positive and negative affect. *Personality and Individual Differences*, 19(3): 165-169.
- Stanley, B. A. B., Sher, A. B., Wilson, A. B., Ekman, R. C., Huang, Yung-Y, A., & John, M. J. (2010). Non-suicidal self-injurious behavior, endogenous opioids and monoamine neurotransmitters. *Journal of Affective Disorders*, 31(4): 134-140.
- Sun, J., Xue, J., Bai, H., Zhang, H., Lin, P., & Cao, F. (2016). The association between negative life events, neuroticism and aggression in early adulthood. *Personality and Individual Differences*, 26(2): 139-144.

عامل نوروزگرایی پرسشنامه پنج عاملی نئو

عبارت‌ها				
کاملاً موافقم	موافقم	خنثی	مخالفم	کاملاً مخالفم
۵	۴	۳	۲	۱
۵	۴	۳	۲	۱
۵	۴	۳	۲	۱
۵	۴	۳	۲	۱
۵	۴	۳	۲	۱
۵	۴	۳	۲	۱
۵	۴	۳	۲	۱
۵	۴	۳	۲	۱
۵	۴	۳	۲	۱
۵	۴	۳	۲	۱
۵	۴	۳	۲	۱
۵	۴	۳	۲	۱

پرسشنامه تجربه‌های مثبت و منفی

ردیف	واژه‌های توصیف‌گر احساسات	هرگز	به ندرت	برخی وقت‌ها	اغلب	همیشه
۱	تجربه مثبت	۱	۲	۳	۴	۵
۲	تجربه منفی	۱	۲	۳	۴	۵
۳	تجربه خوب	۱	۲	۳	۴	۵
۴	تجربه بد	۱	۲	۳	۴	۵
۵	تجربه لذت بخش	۱	۲	۳	۴	۵
۶	تجربه ناخوشایند	۱	۲	۳	۴	۵
۷	خوشحالی	۱	۲	۳	۴	۵
۸	غمگینی	۱	۲	۳	۴	۵

زمینه یاب ارزشی شوارتز

به منزله یک اصل راهنما در زندگی من، این ارزش‌ها است.

مخالف ارزش‌های من	بی‌اهمیت	مهم	بسیار مهم	عالی‌ترین درجه اهمیت				
۱-	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
نمره	عبارت	نمره	عبارت	نمره	عبارت			
.....	برابری (فرصت مساوی برای همه)	خلایقت (نبوغ، ابتکار)	برابری (فرصت مساوی برای همه)			
.....	توازن درونی (آرامش خاطر، به دور از تعارض درونی)	صلح جهانی (عاری از جنگ و کشمکش)	توازن درونی (آرامش خاطر، به دور از تعارض درونی)			
.....	قدرت اجتماعی (کنترل روی دیگران، سلطه)	احترام به سنت (حفظ رسوم پسندیده قدیمی)	قدرت اجتماعی (کنترل روی دیگران، سلطه)			
.....	آزادی (آزادی عمل و اندیشه)	عشق کامل (رابطه نزدیک و عمیق هیجانی و معنوی)	آزادی (آزادی عمل و اندیشه)			
.....	لذت (ارضای امیال)	خودانضباطی (خودداری، مقاومت در برابر وسوسه)	لذت (ارضای امیال)			
.....	زندگی معنوی (تاکید بر موضوع‌های معنوی نه مادی)	خلوت (حق بر خورداری از یک فضای خصوصی)	زندگی معنوی (تاکید بر موضوع‌های معنوی نه مادی)			
.....	حس تعلق خاطر (از اینکه دیگران به فکر من هستند)	امنیت خانوادگی (ایمنی برای اشخاص مورد علاقه)	حس تعلق خاطر (از اینکه دیگران به فکر من هستند)			
.....	نظم اجتماعی (ثبات جامعه)	تشخص اجتماعی (مورد تأیید و احترام دیگران)	نظم اجتماعی (ثبات جامعه)			
.....	زندگی مهیج (تجربه‌های تحریک آمیز)	یگانگی با طبیعت (سازگار شدن با طبیعت)	زندگی مهیج (تجربه‌های تحریک آمیز)			
.....	معنا بخشیدن به زندگی (هدف دار بودن زندگی)	زندگی متنوع (سرشار از چالش، تازگی و تغییر)	معنا بخشیدن به زندگی (هدف دار بودن زندگی)			
.....	ادب (نزاکت، رفتار پسندیده)	خرد (درک کامل از زندگی)	ادب (نزاکت، رفتار پسندیده)			
.....	ثروت (مالکیت چیزها، پول)	اقتدار (حق رهبری یا فرماندهی)	ثروت (مالکیت چیزها، پول)			
.....	امنیت ملی (حفاظت از ملت در برابر دشمنانم)	دوستی واقعی (دوستان نزدیک و حمایتگر)	امنیت ملی (حفاظت از ملت در برابر دشمنانم)			
.....	احترام به خود (باور به ارزش شخص خود)	جهانی زیبا (زیبایی طبیعت و جلوه‌های هنری)	احترام به خود (باور به ارزش شخص خود)			
.....	جبران محبت‌های دیگران (مدیون نبودن)	عدالت اجتماعی (رفع بی‌عدالتی، حمایت از ضعیفان)	جبران محبت‌های دیگران (مدیون نبودن)			
.....	مستقل (متکی به خود، خودکفا)	صادق (درستکار، بی‌ریا و صمیمی)	مستقل (متکی به خود، خودکفا)			
.....	معتدل (پرهیز از افراط در احساسات و اعمال)	حفظ وجهه عمومی خود (آبرودار)	معتدل (پرهیز از افراط در احساسات و اعمال)			
.....	وفادار (وفاداری به دوستان و گروه)	فرمانبردار (وظیفه شناس، عمل کردن به تکلیف)	وفادار (وفاداری به دوستان و گروه)			
.....	بلند مرتبه جو (سخت‌کوش، بلندپرواز)	هوشمند (منطقی، اهل فکر)	بلند مرتبه جو (سخت‌کوش، بلندپرواز)			
.....	دارای وسعت نظر (بردار در برابر باورهای مخالف)	باریگر (کوشش برای رفاه دیگران)	دارای وسعت نظر (بردار در برابر باورهای مخالف)			
.....	متواضع (فروتن، بدون تکبر)	زندگی لذت بخش (لذت بردن از غذا، آمیزش و ...)	متواضع (فروتن، بدون تکبر)			
.....	متهور (به دنبال ماجرا و خطر)	مؤمن (دارای اعتقاد و باورهای دینی)	متهور (به دنبال ماجرا و خطر)			
.....	حفاظت از محیط زیست (حفظ طبیعت)	مسئولیت‌پذیر (قابل اطمینان، قابل اعتماد)	حفاظت از محیط زیست (حفظ طبیعت)			
.....	بانفوذ (اثر گذاشتن بر افراد و رویدادها)	کنجکاو (علاقمند به همه چیز، جستجوگر)	بانفوذ (اثر گذاشتن بر افراد و رویدادها)			
.....	احترام به والدین و بزرگ‌ترها (ابراز احترام)	بخشاینده (حاضر به بخشش و غفو دیگران)	احترام به والدین و بزرگ‌ترها (ابراز احترام)			
.....	انتخاب شخصی هدف‌های خود (انتخاب مقاصد خود)	موفق (دستیابی به هدف‌ها)	انتخاب شخصی هدف‌های خود (انتخاب مقاصد خود)			
.....	تندرست (بیمار نبودن از حیث جسمانی یا روانی)	پاکیزه (تمیز، آسته)	تندرست (بیمار نبودن از حیث جسمانی یا روانی)			
.....	توانا (با صلاحیت مؤثر، کارآمد)	خوشگذران (انجام کارهای لذت‌بخش)	توانا (با صلاحیت مؤثر، کارآمد)			
.....	پذیرش سهم خود از زندگی (قانع به وضعیت موجود)	پذیرش سهم خود از زندگی (قانع به وضعیت موجود)			

پرسشنامه آسیب به خود

بله	خیر	عبارت‌ها
۱	•	۱. آیا تا کنون عمداً یا از روی قصد هر یک از کارهای زیر را انجام داده‌اید؟
۱	•	۲. داروی بیش از حد خورده‌اید؟ (اگر بله تعداد موارد.....)
۱	•	۳. عمداً بدن خود را زخمی کرده یا بریده‌اید؟ (اگر بله تعداد موارد.....)
۱	•	۴. عمداً بدن خود را سوزانده‌اید؟ (اگر بله تعداد موارد.....)
۱	•	۵. خودتان را زده‌اید؟ (اگر بله تعداد موارد.....)
۱	•	۶. عمداً سرتان را به دیوار یا اشیاء کوبیده‌اید؟ (اگر بله تعداد موارد.....)
۱	•	۷. در خوردن مشروبات الکلی افراط کرده‌اید؟
۱	•	۸. عمداً در رانندگی بی احتیاطی کرده‌اید؟
۱	•	۹. عمداً بدن خود را خراشیده‌اید (چنگ زده‌اید)؟ (اگر بله تعداد موارد.....)
۱	•	۱۰. از خوب شدن زخم‌هایتان جلوگیری کرده‌اید؟
۱	•	۱۱. عمداً باعث شده‌اید حال جسمی‌تان بدتر شود (مثلاً با نخوردن داروهایتان)؟
۱	•	۱۲. بی بند و باری داشته‌اید (مثلاً شریکان جنسی متعدد داشته‌اید)؟ (اگر بله چند نفر
۱	•	۱۳. خودتان را در رابطه‌ای قرار داده‌اید که می‌دانستید در آن طرد می‌شوید؟
۱	•	۱۴. از داروهایی که پزشکتان تجویز کرده، سرخود و بی حساب استفاده کرده‌اید؟
۱	•	۱۵. برای اینکه خودتان را مجازات کنید از خدا فاصله گرفته‌اید؟
۱	•	۱۶. درگیر روابطی شده‌اید که از شما سوء استفاده عاطفی شده است؟ (اگر بله تعداد روابط
۱	•	۱۷. درگیر روابطی شده‌اید که از شما سوء استفاده جنسی شده است؟ (اگر بله تعداد روابط
۱	•	۱۸. عمداً شغلی را از دست داده‌اید؟ (اگر بله تعداد موارد.....)
۱	•	۱۹. دست به خودکشی زده‌اید؟ (اگر بله تعداد موارد.....)
۱	•	۲۰. عمداً از عضو آسیب دیده یا زخمی بدن خود کار کشیده‌اید؟
۱	•	۲۱. خودتان را با افکار منفی و سرزنش گر مجازات کرده‌اید؟
۱	•	۲۲. برای اذیت کردن خود، به خودتان گرسنگی داده‌اید؟
۱	•	۲۳. از داروهای ملین برای اذیت کردن خود استفاده کرده‌اید؟ (اگر بله تعداد موارد.....)
